

Re-examining the Process of Public Participation in Governance and Its Role in Preventing Religious Deviations from the Perspective of Imam Ali (PBUH)

Fateme Rezaei¹, Gholamreza Khosh Niyat², Karim Abdolmaleki³

¹ Ph.D. Student, Department of Quranic Sciences and Hadith, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. fatemer@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Shahid Mahallati Faculty, Qom, Iran (Corresponding author). R_khoshneyat@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Shahid Mahallati Faculty, Qom, Iran. K.abdolmaleki57@gmail.com

Abstract

The aim of the present study is to re-examine the process of public participation in governance and its role in preventing religious deviations from the perspective of Imam Ali (PBUH). The research method is descriptive-analytical, and the results show that public participation in governance and the administration of affairs plays a significant role in organizing the social life of people. Imam Ali (PBUH) countered issues such as the distortion of religious teachings and truths, lack of independent identity and thought, arrogance and pride, material greed, fraud and hypocrisy, ignorance and unwarranted religious fanaticism, as they harm the general inclination of people towards governance. Selfish desires, the pursuit of status, and the quest for fame alter human understanding of religious sources and lead to deviation, innovation in religion, and misuse of the Quran and traditions. The distortion of religious teachings and truths, by diverting religion from its true path, causes public distrust in Islamic governance and leads to their disengagement from participation in governance. The loss of identity and independent thought, by compelling people to blind imitation and unreflective obedience, deters them from public participation in governance. Arrogance and selfishness, by driving individuals towards desirable and pleasing matters, result in justifying and insisting on preferred options contrary to ideological and social values, hindering the opportunity for opposing ideas to participate. From Imam Ali's (PBUH) perspective, greed is the worst thing, a criterion of evil, a cause of slavery, a deadly vehicle, and a factor of corruption and ruin in governance. Combatting fraud and hypocrisy preserves public trust and the health of public participation. Easing the people's living costs and removing livelihood constraints by the ruler indicates the ruler's goodwill towards the people and has significant psychological and social effects on public participation and prevention of religious deviations. Unwarranted religious fanaticism, stemming from ignorance and heedlessness, when eliminated, prevents the waste of human resources and blind inclinations towards deviations. Justice, as a comprehensive and universal policy, ensures public satisfaction and purifies the Muslim society from deviations, achievable only under the umbrella of justice.

Keywords: Public participation, Governance, Religious deviations, Imam Ali (PBUH).

Received: 2022-04-11 ; Received in revised form: 2022-05-07 ; Accepted: 2022-05-30 ; Published online: 2022-12-21

<https://doi.org/10.22034/SM.2022.551789.1859>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بازخوانی فرایند مشارکت عمومی در حکمرانی و نقش آن در جلوگیری از انحراف‌های دینی، از منظر امام علی(ع)

فاطمه رضائی^۱، غلامرضا خوش نیت^۲، کریم عبدالملکی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. fatemer@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول). R_khoshneyat@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران. K.abdolmaleki57@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بازخوانی فرایند مشارکت عمومی در حکمرانی، و نقش آن در جلوگیری از انحراف‌های دینی، از منظر امام علی(ع) است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که مشارکت عمومی در حکمرانی و اداره امور، در ساماندهی زندگی اجتماعی مردم نقش مهمی دارد. امام علی(ع) با اموری چون تحریف معارف و حقایق دینی، فقدان هویت و اندیشه مستقل، فخرفروشی و استکبارورزی، طمع‌ورزی‌های مادی، تقلب و نفاق، جهالت و تعصبات ناروای مذهبی، به دلیل آسیب رساندن به گرایش‌های همگانی مردم به حکمرانی، مقابله کردند. هوای نفس، موقعیت‌خواهی و شهرت‌طلبی، فهم انسان را از منابع دین تغییر می‌دهد و موجب انحراف انسان، بدعت در دین و استفاده‌های نابجا از قرآن و روایات می‌شود. تحریف معارف و حقایق دین با منحرف کردن دین از مسیر اصلی خود، باعث بدبینی مردم نسبت به حکومت اسلامی و کناره‌گیری آنان از مشارکت در حکمرانی می‌شود. از دست دادن هویت و اندیشه مستقل، با وادار کردن مردم به تقلید کورکورانه و تبعیت بدون اندیشه، آنان را از مشارکت عمومی در حاکمیت بازمی‌دارد. خودپسندی و خودخواهی، با سوق دادن به سمت اموری که خوشایند و دلخواه انسان است، باعث می‌شود که با عقاید و ارزش‌های عقیدتی و اجتماعی که ناسازگار با خواسته اوست، به شیوه توجیه و تطهیر رفتار و پافشاری بر گزینه دلخواه عمل شود و مجال مشارکت برای اندیشه‌های مخالف فراهم نشود. از منظر امام علی(ع)، طمع به عنوان بدترین چیز، معیار شرعی، عامل بردگی، مرکب قاتل، عامل فساد و تباهی حاکمیت است. مبارزه با تقلب و نفاق، حافظ اعتماد عمومی و سلامت مشارکت عمومی است. آسان‌سازی هزینه زندگی مردم و برداشتن تنگناهای معیشتی به وسیله حاکم، نشان‌دهنده حُسن ظن حاکم بر مردم است و آثار روحی و روانی مهمی در مشارکت عمومی و جلوگیری از انحراف دینی خواهد داشت. تعصبات ناروای مذهبی ناشی از غفلت و جهالت افراد و از میان برداشتن آنها باعث جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و گرایش کورکورانه افراد به انحرافات می‌شود. عدالت‌ورزی، سیاستی فراگیر و همگانی است. تأمین رضایت عمومی و سالم‌سازی اجتماع مسلمین از انحرافات، تنها در سایه عدالت محقق می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مشارکت عمومی، حکمرانی، انحرافات دینی، امام علی(ع).

استناد به این مقاله: رضائی، فاطمه؛ خوش نیت، غلامرضا؛ عبدالملکی، کریم (۱۴۰۲). بازخوانی فرایند مشارکت عمومی در حکمرانی، و نقش آن در جلوگیری از انحراف‌های دینی، از منظر امام علی(ع). *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴): ص ۱۱۷-۱۳۲. 1859.10.22034/SM.2022.551789. <https://doi.org/10.22034/SM.2022.551789>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱



۱. مقدمه

برنامه رهبران الهی و پیشوایان دینی در مسیر دعوت و هدایت مردم به سوی عبادت پروردگار و زندگی سعادت‌مندانه، زمانی نتیجه‌بخش خواهد بود که با اقبال عمومی جامعه و گرایش حداکثری مردم مواجه شود. ماهیت این برنامه‌ها و شیوه‌های تربیتی و هدایتی آن دارای خصوصیات است که باعث شده است آنان با وجود موانع بسیار و مخالفت‌های سرسختانه، مأموریت‌های الهی خود را به درستی انجام دهند. فراهم ساختن امکان مشارکت عمومی به منظور جذب حداکثری، از دید صاحب‌نظران و اندیشمندان یکی از موضوعاتی است که در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی تاثیر بسیار ویژه‌ای دارد. امیرمؤمنان علی(ع) بر آن بود که همگان در حکومت مشارکت کنند و نقش داشته باشند، چنانکه فرموده است: «أَلَيْسَ أَمْرًا - وَإِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزِلَتُهُ، وَتَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ - بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ. وَلَا أَمْرًا - وَإِنْ صَغُرَتْهُ النَّفُوسُ، وَافْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ - بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ»، «هیچ کس - هرچند جایگاهش در حق بسی بزرگ بود، و برتری او در دین بسی پیش‌تر از دیگران باشد - بالاتر از آن نیست که در گزاردن حقی که خداوند برعهده او گذشته است، از یاری دیگران بی‌نیاز باشد. و هیچ کس - هرچند مردمان، او را کوچک شمارند و در دیده آنان بی‌مقدار به حساب آید - خُردتر از آن نیست که نتواند دیگران را در گزاردن حق یاری دهد، یا نخواهد که بر انجام دادن وظیفه او را یاری دهد» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

یکی از نکاتی که امروزه در این زمینه مطرح است، چگونگی افزایش میزان مشارکت مردم در حکمرانی و امور سیاسی جامعه اسلامی است، به طوری که به تبع آن، تقویت دینداری و پذیرش همگانی باورهای دینی و در نتیجه جلوگیری از گسترش دین‌گریزی را به همراه داشته باشد. اوضاع کنونی جوامع دینی نشان می‌دهد چاره‌اندیشی‌هایی که برای حل این معضل شده، نتوانسته است نتیجه مورد انتظار را داشته باشد. اما از آنجا که دین اسلام، کامل‌ترین دین، و مکتب تشیع با تبعیت از امامان و جانشینان به حق پیامبر اسلام(ص)، این ظرفیت و قابلیت را دارد که پاسخگوی تمام نیازهای ضروری انسان‌ها باشد. لذا، اطمینان داریم که در زمینه راهکارهای جلب مشارکت عمومی مردم در حکمرانی و جذب حداکثری برای گسترش دینداری و جلوگیری از دین‌گریزی، راه‌حل‌های اثربخشی ارائه داده است.

در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است با بررسی شیوه حکومت‌داری امام علی(ع)، بتواند با تبیین راه‌حل‌ها، الگویی مناسب را جهت گسترش مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی جامعه و تعمیق دینداری و جلوگیری از دین‌گریزی ارائه نماید. تحقق این هدف همواره با آسیب‌ها و موانعی روبرو شده است، از جمله آنها می‌توان تحریف معارف دینی و جفا به آن، فقدان هویت و اندیشه مستقل، تفاخر و طمع‌ورزی،

خیانت و تبعیض‌های مادی، غفلت و جهالت و تعصبات ناروای مذهبی را برشمرد. عمده شاخص‌های این فرایند عبارت است از: مهرورزی، انتقادپذیری و مشورت، آزادی و کرامت انسانی، عدالت‌ورزی و مدارا.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. حکمرانی

حکمرانی در لغت به معنای فرماندهی، تصمیم، حکومت و سلطنت است. در اصطلاح حکمرانی به مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادهایی اطلاق می‌شود که حاکمان در چارچوب آنها عمل می‌کنند یا به عنوان روش پیاده‌سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها، یا تصدّی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی، برای مدیریت کلیه مناسبات کشور در کلیه سطوح به کار می‌رود. این تصدّی‌گری شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع، حقوق قانونی خود را مطالبه کرده، با تعهدات خود آشنا شده و در مورد تفاوت‌ها، با یکدیگر مواجه می‌شوند (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲۷).

۲-۲. انحراف دینی

انحراف مصدر عربی است از ریشه (ح ر ف). حَرَفَ هرچیزی، کنار و لبه آن است. مثل حرف شمشیر، یعنی لبه آن، و حرف کشتی به معنای پهلو و کناره کشتی، و حرف کوه به معنای لبه و پرتگاه کوه است (قرشی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۲۱). در اصطلاح به معنای دور شدن یا جدا شدن از راه‌ها، اصول، معیارها و یا روش‌های تعیین‌شده است. این واژه در آیات قرآن به کار نرفته است و در زبان عربی نیز به این معنای مصطلح کاربردی ندارد، اما هم‌خانواده‌های دیگری از آن مانند «حرف» و «متحرّف» و «یُحرّفون»، با مضامینی نزدیک به این معنا، استفاده شده‌اند، مانند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ...»، «بعضی از مردم خدا را بر طرفی عبادت می‌کند...» (حج: ۱۱)، یعنی عبادت خدا در حاشیه و کناره برنامه‌های آنها است، نه در متن آن. و «متحرّف» کسی است که به يك جانب ميل می‌کند و تحریف شیء به يك طرف بردن آن است، مانند: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...» (لقمان: ۲۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ص ۲۲۹؛ قرشی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۱۲۱).

الف- معنای لغوی دین: واژه دین در فرهنگ لغات، مترادف با کلماتی مانند حکم و قضاء، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۵۷۲-۵۷۴). در کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی از جمله: جزاء، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است (قرشی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۳۸۰-۳۸۱؛ طریحی، ۱۳۹۳:

ص ۷۶-۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۷۵).

ب- معنای اصطلاحی دین: دین عبارت است از مجموع عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها ضروری می‌باشد. با توجه به معنای انحراف، اعتقاد و دین، اگر کسی عناصر اساسی تشکیل‌دهنده دین الهی را از اصل باور نداشته باشد، و یا بعد از پذیرش، از آن عدول کند، و یا تلقی نادرستی از آن داشته باشد، منحرف از دین حق شناخته می‌شود.

۳. آسیب‌شناسی حکمرانی از نظر انحرافات

یکی از سوالات اساسی این است که در جوامع دینی، با وجود ماهیت اصلاح‌گری و هدایت‌گرانه احکام و دستورالعمل‌های دینی در ابعاد مختلف، چه عواملی موجب بروز انحراف و دگرگونی شده است. نظیر آنچه در صدر اسلام و تنها مدت زمان کوتاهی پس از رحلت پیغمبر اسلام (ص) رخ داد؛ به طوری که سرنوشت جامعه اسلامی را دگرگون ساخت و آن را از مسیر قرآن برگرداند. بر این اساس، پیش از پرداختن به عوامل جذب حداکثری و نقش آن در جلوگیری از انحرافات، نخست لازم است عوامل انحراف شناسایی شود. در این راستا، می‌توان گفت که در شیوه تبلیغی امام علی (ع) کوشش برای اقبال عمومی و گرایش همگانی جامعه به مبانی دین در وهله اول، و شدت عمل و قاطعیت در دفع عوامل انحراف در مرتبه دوم، جایگاه ممتازی در جلوگیری از انحرافات دینی داشته است. لذا، اولویت نخست امام برای مبارزه با انحرافات دینی و جلوگیری از ظهور و بروز آنها، تلاش برای جذب حداکثری افراد و رفع موانع دینداری و برطرف کردن زمینه‌های انحراف از مسیر ایمان است که نقش مهمی در جلوگیری از انحرافات دینی داشته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن. اما آنجا که جز با شدت عمل، کار از پیش نمی‌رود، شدت را به کار بند» (نهج البلاغه: نامه ۴۶). در این زمینه امام علی (ع) ضمن توجه جدی به اصلاح همه اشکال انحرافات، نسبت به دفع موارد ذیل اهتمام ویژه‌ای داشته است:

۳-۱. تحریف معارف دینی و جفا به آن

یکی از عوامل مهم انحراف، تحریف دین و انحراف شریعت الهی از مسیر خود است. در شرایطی که چند سال از رحلت پیامبر (ص) نگذشته و خاطره آن حضرت از ذهن‌ها محو نشده بود، و هنوز در جامعه اسلامی افراد قابل اعتمادی بودند که فداکاری‌های ایشان را در راه ترویج اسلام و دعوت به قرآن، به چشم خود دیده‌اند؛ امیر مؤمنان علی (ع) از جماعتی شکوه می‌کند که با نادانی و غفلت زندگی کردند و در گمراهی آشکار به سر بردند؛ کسانی که ادعای مسلمانی و پیروی از قرآن و سنت رسول خدا (ص) را داشتند، اما تاب

پذیرش حقایق و معارف اصیل کتاب خدا را نداشته و برای رسیدن به اغراض پلید و منافع دنیوی خویش، بی‌مهابا دست به تحریف قرآن می‌زنند، به طوری که برداشت‌های درست و قرائات معصومانه از کتاب خدا، خواهانی ندارد. در حالی که افراد در جامعه اسلامی، به برکت تربیت اولیای خدا و تعالیم الهی، حقایق را می‌شناسند، خوبی‌ها را پاس می‌دارند و بدی‌ها را زشت می‌شمارند. این گروه منحرف خودپرست، چون ملاک خوبی را موافقت با هوس‌ها و اهداف پلید خود می‌دانستند و ملاک بدی نزد آنان مخالفت با ایشان است، در نظرشان چیزی ناشناخته‌تر و بدتر از نیکویی‌ها و شناخته‌تر و بهتر از بدی‌ها وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۹، ص ۳۳۰).

۲-۳. فقدان هویت و اندیشه مستقل

یکی از عوامل انحرافات اعتقادی انسان، چشم دوختن به برتری‌های مادی دیگران و خودباختگی و تقلید کورکورانه از آنهاست. ما بسیاری از میراث‌های گذشته خود را زمانی می‌پذیریم و قبول می‌کنیم که از سوی غربی‌ها گفته شود. تا زمانی که مهر تایید غربی‌ها بر پای مطلبی نباشد، آن را نمی‌پذیریم؛ این یعنی «بی‌هویتی». بی‌هویتی منشأ بسیاری از مفساد از جمله انحراف در عقاید و دین است. عامل دیگر، ضعیف بودن مردم در مسائل عقلی و استدلال قوی است. حتی بزرگانی که عمری را در مسائل عقلی سپری کرده‌اند، گاهی در استدلالات اشتباه می‌کنند. معلوم می‌شود که حتی فیلسوفی که سی یا چهل سال از عمر خود را در فلسفه و استدلالات عقلی گذرانده، ممکن است اشتباه نماید، چه رسد به عموم مردم که اصلاً با استدلال عقلی و فلسفی آشنایی ندارند. انسان در بسیاری از امور اشتباه می‌کند. خدا در قرآن فرموده است که اکثریت مردم عقل خود را به کار نمی‌گیرند: «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»؛ برای اینکه شرایط زندگی افراد اجازه نمی‌دهد که در مسایل عقلی متخصص شوند و بتوانند استدلالات صحیح را از غلط تشخیص دهند.

۳-۳. تفاخر و استکبارورزی

مهم‌ترین عاملی که به تدریج، و پنهان از نگاه افراد سطحی‌نگر، موجب انحطاط و انحراف انسان می‌شود، خوددوستی و خودخواهی است. این عامل موجب می‌شود انسان در پی اموری برآید که خوشایند و دلخواه اوست و اگر آنچه دلخواهش است، با عقاید و ارزش‌های دینی و اجتماعی‌اش ناسازگار باشد، به توجیه و تطهیر رفتار و گزینه مورد پسند خویش می‌پردازد. امیرالمؤمنین (ع) درباره کارگزاران این خصلت را مایه غفلت و انحراف از اهداف الهی سیاست و حکومت می‌داند و می‌فرماید: «و در دیده مردم پارسا، زشت‌ترین خوی حکمرانان این است که گمان شود، آنان دوستدار فخرفروشی‌اند و سیاست‌کشورداری‌شان بر کبرورزی بنا

یافته است» و بعد فرمود: «به راستی که من خوش ندارم که این پندار در ذهنتان راه یابد که به چاپلوسی گراییده‌ام و شنیدن ثنای خویش را دوست دارم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

۳-۴. طمع‌ورزی، خیانت و تبعیض‌های مادی

طمع، خیانت و تبعیض‌های مادی از شایع‌ترین رذایل اخلاقی در زندگی اجتماعی است که کم‌وبیش در بین جامعه ظاهر می‌شود. ریشه این خلیقات، علاقه بیش از حد به دنیا است. بدون شک کسی که گرفتار خوی زیانبار طمع‌ورزی، خیانتکاری و تبعیض شود، به مال و مقام و هر آنچه در دست دیگران است، چشم دوخته و برای به دست آوردن آنها، عشق می‌ورزد و از نداشتن آنها دائماً در اندوه و حسرت است. این افراد از شناخت خود غافل مانده و در هدف از آفرینش خویش، دچار سردرگمی می‌شوند. در نتیجه به واسطه چنین خصلت‌هایی، خوار و بی‌مقدار شده و مردم از آنان رویگردان می‌شوند، «أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ»، «هر کسی که لباس طمع را به خود بپوشاند، نفس خود را تحقیر کرده است، وجود خودش را کوچک شمرده است» (نهج البلاغه، حکمت ۲).

امام علی (ع) از طمع با عناوینی مانند بدترین چیز، معیار شرّ و بدی، عامل بردگی همیشگی، باعث فساد و تباهی و هلاکت، مرکب قاتل و کشنده سرنشین، و از صفات منافقین یاد کرده است. ایشان طرز برخورد رهبر در مقابل افراد خائن را بدین‌گونه مشخص می‌سازد که: «خائن را به کیفر عملش برسان! حدّ شرعی مناسب با خیانتش را- نه کمتر و نه بیشتر- بر او جاری کن! خائن را رسوا و بی‌آبرو کن و او را به خاک ذلّت و خواری بنشان! داغ خیانت را آشکارا بر پیشانی‌اش بزن و قلاده ننگ و بدنامی را بر گردنش بیفکن، چندان که در میان مردم انگشت‌نما گردد، تا هم سرنوشت او باعث عبرت دیگران شود، و هم دیگر فرصت و امکانی برای خیانت و فساد در میان مردم پیدا نکند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳؛ لنگرانی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۳). همچنین ایشان برای جلوگیری از خیانت و اعمال تبعیض در مورد همکاران خود و کارگزاران دولت، تدابیری اندیشیده است: «سپس به ایشان حقوق کافی برسان! زیرا این کار موجب تقویت نفس‌شان می‌شود و آنان را از دست‌درازی به اموال زیردستان بازمی‌دارد؛ به‌علاوه، این حجّتی است بر ایشان، اگر از دستور سرپیچی کنند، یا در امانتت خیانت ورزند» (نهج البلاغه: نامه ۵۳؛ لنگرانی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۰).

۳-۵. تقلّب و نفاق

تقلّب از ماده «قلب» به معنای زیر و رو کردن و جعل کردن و در کاری به سود خود و به زیان دیگری تصرف کردن، است (معین، ۱۳۸۶: ص ۹۷۵). تقلّب گونه‌ای از نقض قانون است. نوعی از دغل‌کاری،

کلاهبرداری و حيله‌گری است که باعث ایجاد برتری ناعادلانه متقلب بر دیگران می‌شود. واژه نفاق از ریشه «نفق» و به معنای دورویی است؛ یعنی اظهار کردن چیزی برخلاف آنچه در دل وجود دارد. امام علی(ع) مبارزه با تقلب و نفاق را حافظ اعتماد عمومی و سلامت اعتقاد مردم می‌داند: «او سفارش می‌کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت، و در خلوت نافرمانی کند، و اینکه آشکار و پنهانش، و گفتار و کردارش، در تضاد نباشد» (نهج البلاغه: نامه ۲۶). مفهوم این سخن آن است که آنهایی که پنهان و آشکارشان متفاوت است و گفتارشان با رفتارشان هماهنگ نیست، خائن و غیر مخلص بوده و به واقع چنین است. چه خیانتی از این بدتر که انسان اعمال نیک ریاکارانه در برابر مردم انجام دهد و آنگاه که به خلوت می‌رود، کار دیگر کند؛ یا با زبانش وعده‌های نیکی دهد و پاکی و تقوا را بستايد، ولی عملش بر ضد آن باشد و مایه بی‌اعتمادی و سلب عقیده مردم گردد. این کارها از هر کس که باشد، نازیباست و از دولت‌مردان اسلام نازیباتر (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۹، ص ۳۳۰).

۳-۶. تعصبات ناروای مذهبی، غفلت و جهالت

امام علی(ع) برای جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی جامعه اسلامی و جلوگیری از گرایش کورکورانه افراد به انحرافات، با تعصبات ناروای مذهبی ناشی از غفلت و جهالت مبارزه کرده است: «ای بی‌خبرانی که آنی مورد غفلت نیستید، و ای ترک‌کنندگان فرامین الهی که از تمامی کارهایتان بازخواست می‌شوید! شما را چه شده است که از خدای خود رویگردان و به غیر او گرایش دارید؟ چونان چارپایانی که چوپان آنها را در بیابانی و با خیز، و آب‌هایی بیماری‌زا رها کرده است. گوسفندان پروار را می‌مانید که برای کارد قصاب آماده‌اند، ولی خودشان نمی‌دانند! چه آنکه هرگاه به گوسفندان با مقداری علف نیکی کنند، یک روز خود را یک عمر پندارند، و زندگی را در سیر شدن شکم‌ها می‌نگرند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵).

۴. شاخص‌های افزایش سطح مشارکت مردم در حکمرانی

۴-۱. فراهم آوردن سازوکارهای فهم درست قرآن و سنت

امیر مؤمنان(ع) از گروهی خودپرست شکوه می‌کند که قرآن و معارف اصیل آن، نزد آنان کسادترین کالا و چون زمین بایری است که کسی به آن اعتناء و توجهی ندارد. این جماعت مشتری و مروج قرآنی هستند که در آن تحریف صورت می‌پذیرد و برداشت‌ها و تفسیرهای آن هماهنگ با پسند مردم و خواسته‌های نفسانی آنان است. هوای نفس، موقعیت‌خواهی و شهرت‌طلبی، فهم انسان را از منابع دین تغییر می‌دهد و موجب انحراف انسان، بدعت در دین و استفاده‌های نابجا از قرآن و روایات می‌شود. از این‌رو، کسب مقام فقاها و فتوا نیاز به

تزکیه نفس و تهذیب اخلاق دارد.

بزرگان انصار با اطمینان از ناکامی علی ابن ابی طالب(ع)، از دستیابی به خلافت با تکیه بر خدمات گذشته خود به پیامبر و مسلمانان و نیز دلخوش به ستایش های پیامبر از انصار، خود را سزاوار عهده‌داری امر خلافت می‌شناختند و گویا این امر را پاداش زحمات خویش می‌پنداشتند. در هر صورت، پس از رحلت حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد(ص)، گروه سازمان یافته‌ای که از سال‌ها قبل برای چنین روزی طرح و نقشه تدوین کرده بودند، با حرکتی کودتاگونه بر اوضاع مسلط شدند و با عذر و بهانه‌هایی چند، علی ابن ابی طالب(ع) را از عهده‌داری زمامداری دور داشتند. عواملی که سبب پیشبرد مخالفان علی(ع) شد، به قرار زیر است:

۴-۲. کوشش برای بهبود وضع مردم

امام علی(ع)، یکی از وظایف مهم حاکم را بسترسازی مناسب جهت آسایش مردم و تأمین رفاه آنان می‌داند و در دستوری به مالک اشتر می‌فرماید: «وَ اعْلَمَنَّ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى إِلَى حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرِعْيَتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَ تَخْفِيفِهِ الْمُؤُونَاتِ عَلَيْهِمْ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳، بند ۲۱). ایشان آسان‌سازی هزینه زندگی مردم به وسیله حاکم را از مصادیق حُسن ظنّ حاکم بر مردم می‌داند که به‌طور مسلم در اجتماع آثار روحی و روانی خواهد داشت و در فرمانی دیگر به مالک اشتر می‌گوید که زمینه برای تاجران و صنعت‌گران به‌گونه‌ای آماده شود تا بتوانند نیاز جامعه را به راحتی تأمین کنند و مشکلی نداشته باشند؛ زیرا استواری همه طبقات جامعه به بازرگانان و صنعت‌گران است: «وَ لَا قَوَامَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۲۹)

البته نباید فراموش کرد که ممکن است افرادی به‌رغم داشتن امکانات، باز هم از پرداخت خراج و مالیات طفره روند که بی‌عدالتی و ستمی بزرگ بر اجتماع است و باید با آن مبارزه شود؛ ولی این مطلب را نباید از نظر دور داشت که در طراحی نظام مالیاتی باید مصالح مالیات‌دهندگان لحاظ، و در مسیر آبادانی و سازندگی ایشان صرف شود؛ همان‌گونه که حضرت می‌فرماید: «وَ لِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَعْدَ عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمَّ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا». اما باید نظر تو [مالک] در آبادانی زمین بیشتر باشد، تا گرفتن خراج؛ چون خراج بدون آبادانی به دست نمی‌آید و آنکه بدون آبادانی خراج بخوهد، کشور را خراب و مردم را نابود می‌کند و حکومتش چند روز بیش نمی‌پاید (نهج البلاغه: نامه ۵۳، بند ۴۸).

۴-۳. مهرورزی

نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماع‌ها آن است که با نیروی محبت اداره شود. هرگاه رابطه میان حاکم و مردم براساس محبت و پیوند قلبی شکل گرفته باشد، تربیت اجتماع و هدایت آن به سوی سعادت آسان‌تر خواهد شد. یکی از عوامل مهم فرمان‌پذیری مردم از حاکمانشان آن است که مردم زمامدارانشان را علاقه‌مند خود ببینند، در این صورت محبت و علاقه نیروی جاذبه قدرتمندی خواهد بود که قادر است اکثریت جامعه را پیرامون خود گردآوری کرده و به سوی فرمانبرداری سوق دهد. (نیروی محبت در دور کردن فرد و جامعه از کج‌روی، نیرویی برانگیزاننده و تحول‌آفرین است. بهترین بستر در تربیت جامعه، محبت است) (مطهری، ۱۳۴۹: ص ۶۱). امام علی(ع) درباره رفتار محبت‌آمیز زمامدار با مردم و نقش آن در هدایت و تربیت سفارش کرده است: «دل‌های آدمیان رمنده است، پس هر کس که با آن الفت برقرار سازد، روی بدو نهد» (نهج‌البلاغه: حکمت ۵۰). از نظر امام علی(ع)، بهترین کارگزاران کسانی هستند که در خدمتگزاری بیشتر از سر مهرورزی عمل کنند. ایشان در عهدنامه مالک می‌نویسد: «باید برگزیده‌ترین سران سپاه نزد تو کسی باشد که یار سپاهیان و کمک‌کار آنان است و از آنچه دارد، به آنان می‌بخشد... زیرا مهرورزی تو بر آنان، دل‌هایشان را با تو مهربان نماید» (همان: نامه ۵۳).

۴-۴. انتقادپذیری و مشورت

انتقادپذیری با هدف رفع عیب‌ها و نقص‌ها، از خصلت‌های والای بشری است که از فرهنگ درخشان اسلامی نشأت گرفته است، با مشورت کردن و مشاوره طلبیدن از دیگران محقق می‌شود. در اسلام یکی از مهم‌ترین حقوقی که انسان‌ها در قبال یکدیگر دارند، خیرخواهی و نصیحت و انتقاد دلسوزانه است، تا آنجا که خدا بر بندگان واجب کرده است که به اندازه طاق خود به خیرخواهی یکدیگر برخیزند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ص ۳۳۴). همچنین فرموده‌اند: «هرکس با صاحبان اندیشه مشورت کند، از درخشش افکار بهره‌مند شده است» (خوانساری، ۱۳۶۰: ج ۵، ص ۳۳۶، حدیث ۸۶۳۴)؛ و یا می‌فرمایند: «هرکس با مردان (صاحب‌نظران) مشورت نماید، از اندیشه‌های آنان بهره گرفته است» (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۵۲). امام علی(ع) شکوفایی استعدادها و رشد سلیقه‌ها و در نتیجه گشایش راه‌حل‌های تازه برای مشکلات را در انتقادپذیری و مشورت دانسته‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «تبادل اندیشه انجام دهید، تا درستی و حقیقت از آن متولد گردد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۲۵۶۷). همچنین در جایی دیگر آن را مایه شناخت جایگاه‌های خطا و اشتباه معرفی کرده‌اند: «و آن کس که آرای گوناگون را استقبال کند، موارد خطا

و اشتباه را می‌شناسد (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۴).

کسی که از نعمت گشادگی سینه در مدیریت و مسئولیت بهره‌مند باشد، مقام و مرتبه موجب تکبرش نمی‌شود، رنج‌ها و سختی‌های انتقاد و مخالفت را تحمل می‌کند، با مشورت کردن، به استقبال اظهارنظرهای ناموافق می‌رود و انتقادپذیر است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ابزار ریاست و رهبری، سینه گشاده است» (نهج البلاغه: حکمت ۱۷۶). امام علی (ع) علاوه بر اینکه خود چنین روشی داشتند، همواره آن را به کارگزاران و مردان سیاسی حکومت خود نیز توصیه می‌کردند تا از این مجرا فایده بیشتری از خرد جمعی و اندیشه‌های گروهی مختلف، نصیب جامعه گردیده، در نتیجه به جذب حداکثری مخالفان بیانجامد. بنابراین، در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: «... و نیز باید از وزارت برگزیده‌ترینشان نزد تو، وزیری باشد که سخن تلخ حق را به تو بیشتر بگوید و نسبت به آنچه که خداوند برای اولیایش خوش ندارد، کمتر تو را یاری دهد، ... به اهل پاکدامنی و صدق ببیند، و آنان را آنچنان تعلیم ده که تو را زیاد تعریف نکنند، و بی‌هوده به کاری که انجام نداده‌ای، تو را شاد نمایند، که تمجید فراوان، ایجاد کبر و نخوت کند، و به گردن‌کشی نزدیک نماید» (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۰).

مشورت، پذیرش انتقاد و استقبال از نقد و ایراد، از منظر امام علی (ع) موجب احساس ارزشمندی و جذب مشارکت اندیشه‌های درخشان، همبستگی، مهرورزی، و یکپارچگی در جامعه شده و عامل دفع نفاق و تملق و چاپلوسی و ثناگویی است. «از دیدگاه علی (ع)، یک زمامدار لایق کسی است که در تقسیم مسئولیت‌ها و پست‌ها میان افراد، جز اجرای عدالت و دادن حق به حق‌دار، به چیزی فکر نکنند، و جز با دقت و تأمل در خصوصیات و امتیازات افراد و امتحان و آزمایش آنها، کسی را به کارگزاری دولت نگمارد» (لنکرانی، ۱۳۸۵: ص ۹۷). لازمه این امر آن است که مدیر و حاکم جامعه، مشاوران و نزدیکان خود از میان افراد شایسته و مورد اعتماد انتخاب نمایند. گفتار و سیره عملی امام علی (ع) بیانگر توجه ویژه آن حضرت به این موضوع است، ایشان: «آزمودگی و تجربه، پاکدامنی و نجابت، تقوا و اصالت خانوادگی، تشخص و صیانت نفس، توان مدیریت و دوراندیشی و... را ملاک‌های انتخاب قضات و کارگزاران معرفی کرده است» (لنکرانی، ۱۳۸۵: نامه ۵۳: ص ۹۹-۹۸).

۴-۵. آزادی و کرامت انسانی

آزادی یکی از موهبت‌های بزرگ الهی و از ارزشمندترین سرمایه‌های مادی و معنوی بشر است. مردم در دوران حکومت حضرت امیر (ع) از آزادی کامل برخوردار بودند. یک گروه از مخالفان سرسخت حضرت (ع)، خوارج بودند که پس از جنگ صفین و ماجرای حکمیت، علم مخالفت سرسختانه با امام (ع) را

برافراشتند. امام(ع) از همان اوائل ظهور این فرقه، به آنها اجازه داد که وارد بحث و مذاکره شوند و انتقاداتشان را آزادانه مطرح کنند، و با بردباری کوشش کرد تا تصورات نابجا و عقاید باطل آن‌ها را اصلاح نماید. در تمام این مدت، حضرت نه تنها برخورد خشونت‌آمیزی با آنان نداشتند، بلکه حقوق آنها را از بیت‌المال هم پرداخت کردند. امام(ع) با وجود توانایی، حتی اقدامی برای محدود کردن آزادی آنان یا دست‌گیری و حبس و تبعیدشان نکرد، و بدور از هرگونه اهانت و تمسخر، عقایدشان، با منطقی استوار و مطمئن، به نقد آن‌ها پرداخت (شیخ مفید، ۱۳۹۲: ص ۳۹، خطبه ۱۲۲، ۶۱، ۶۰، ۵۸، ۴۰؛ حکمت ۲۳).

۴-۶. عدالت‌ورزی

حضرت امیر(ع)، عدالت را زندگی می‌داند (آمدی، ۱۳۶۶: حکمت ۲۴۷). «أعدلُ حیاةً». به این معنا که زندگی واقعی، همان حیات معنوی است که انسان عادل از آن بهره‌مند شده است و شخصی که عادل نباشد، گویا مرده است، هرچند خصوصیات یک موجود زنده را داشته باشد. آن حضرت در یکی دیگر از سخنانش، عدالت و جود را باهم مقایسه می‌کند و در نهایت عدل را ترجیح می‌دهد: «حضرت در پاسخ این سوال که: کدام برتر است، عدل یا جود؟ فرمود: عدل امور را در جای خود قرار می‌دهد و جود آن‌ها را از جایگاه خود بیرون می‌برد. عدل حافظ عموم است و جود سودبخش به عده‌ای خاص. پس، عدالت شریف‌تر و برتر است» (نهج‌البلاغه: حکمت ۵۵۳).

عدل دارای ماهیت اجتماعی است که تمام امور مربوط به جامعه را شامل می‌شود، امور مرتبط با انسان، حقوق فردی و اجتماعی، قوانین، منابع اقتصادی، سازمان‌های اجتماعی، گروه‌های سیاسی و... که شایسته است در محل مناسب خود قرار گیرند. لذا، آنچه می‌تواند جامعه‌ای سالم و پرتحرک و بانشاط را بسازد تا همه اقشار جامعه بتوانند زیر چتر آن بهره‌مند شوند، عدل است و امام(ع) آن را سیاستی همگانی دانسته‌اند. یکی از نتایج مهم اجرای عدالت، تأمین رضایت عمومی است؛ «اعتراضات عمومی عمدتاً ریشه در بی‌عدالتی‌ها دارد، اما با عدالت‌گستری، ریشه اعتراضات عمومی در همه اشکال آن خشکیده می‌شود و دل‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند و همچنین حکومت عادل بقاء می‌یابد. فقط چنین حکومتی می‌تواند ادعای حکمرانی بر دل‌ها و جذب حداکثری داشته باشد» (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۴۳۳). در چنین جامعه‌ای، روابط بین سران حکومت با توده ملت، از سلامت حداکثری برخوردار خواهد بود و در نتیجه، زمینه اعتماد متقابل برای فهم و درک انتظارات طرفین میسر خواهد بود و هیچ‌گاه تحمّل مشکلات، یک‌جانبه نخواهد بود» (مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۴۳۶).

امام علی (ع) با ترویج عدالت و توصیه اعتدال در کارها، به دفع طمع ورزی و توقعات بی جا سفارش فراوان کرده است. چنانکه می‌فرماید: «ای مردم! شگفت‌انگیزترین چیز در آدمی، دل اوست؛ و در آن مایه‌هایی از حکمت است، و چیزهایی ضد آنها؛ پس، اگر به چیزی امید بندد، طمع او را خوار کند؛ و اگر آتش طمعش شعله‌ور شود، حرص او را هلاک سازد... و اگر مالی به دست آورد، ثروت او را به گردنکشی برانگیزد، و اگر به فقر دچار گردد، گرفتاری او را از کار بیندازد؛ و اگر در سیر شدن زیاده‌روی کند، پُری شکم او را آزار دهد؛ پس، هر کاستی برای آدمی زیانبخش است، و هر افراط و زیاده‌روی، مایه تباهی» (محمودی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۴۸۲).

۴-۷. مدارا کردن

براساس آموزه‌های علوی، سازگاری هدفمند با دیگران، باعث جذب آنان و مهیاء شدن زمینه مناسب جهت ارتباط و گفت‌وگو و همکاری می‌شود، که در مراحل بعد موجب پیوند و اعتماد متقابل و از بین رفتن عقده‌ها و برداشت‌های نادرست از یکدیگر و آسودگی از کشمکش و تنش‌های بیهوده می‌گردد. حضرت امیر (ع) در این رابطه فرموده است: «با مردم مدارا کن، تا از گزندهایشان در امان باشی و از نیرنگ‌هایشان سالم بمانی» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۵).^۱ همچنین ایشان می‌فرماید: «با مردم مدارا کن، تا از برادری آنان بهره‌مند شوی و با روی خوش با آنان برخورد کن، تا کینه‌هایشان بمیرد»^۲ (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۵، حدیث ۱۰۱۸۰).

شیوه حضرت امیر (ع)، برای جذب و هدایت مخالفانش، ابتدا نرم‌خویی و سازگاری بود، ولی وقتی که همه روزنه‌های مدارا بسته می‌شد، برای دفع فتنه‌ها که آنان شعله‌ور می‌کردند، با حداکثر جدیت و سخت‌گیری اقدام می‌کرد. ایشان در پاسخ یکی از مخالفانش که حضرت را از بی‌وفایی یاران بیم می‌داد، فرمود: «من کسی را به صرف اتهام، مؤاخذه نکنم و به صرف گمان، به عقوبت نکشم، و فقط با کسی قتال می‌کنم که برخلاف من برخیزد و در برابر من بایستد و عداوت آشکار کند؛ البته باز هم با او پیکار نکنم، تا آن زمان که او را بخوانم و عذر او بشنوم. اگر توبه کرد و به نزد ما بازگشت، از او می‌پذیریم، ولی اگر سر برتافت و همچنان با ما بر سر جنگ بود، از خدا یاری می‌جویم و با او پیکار می‌کنیم. و خدا مرا از هر آسیب ننگه دارد» (ثقفی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۳۷).

۱. «دَارِ النَّاسِ تَأْمَنُ غَوَائِلَهُمْ وَ تَسْلَمُ مِنْ مَكَايِدِهِمْ»

۲. «دَارِ النَّاسِ تَسْتَمْتِعُ بِإِخَائِهِمْ وَ الْقَهْمُ بِالْبِشْرِ ثِمْتُ أَصْغَانِهِمْ»

امام علی (ع) هرگز مخالفان خود را از حقوق عمومی، که سهم هر مسلمانی در جامعه اسلامی بود، محروم نکرد و حقوق آنان را از بیت‌المال دریغ نکرد و هرگز مخالفی را به خاطر شائبه مخالفت یا ابراز مخالفت، توقیف یا محبوس نکرد، مگر با آنان اتمام حجت کرده باشد و همه روش‌های مدارا و نرمش را جهت جذب و بازگشت آنان به کار گرفته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷، ص ۳۷؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۲۷۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۳۵). یکی از اموری که در بازسازی و ترقی روابط انسان‌ها با یکدیگر تأثیر عمیقی دارد، سازگاری با مخالفت‌ها و تحمل انتقاد دیگران است. «از مهم‌ترین آثار فردی و اجتماعی مدارا کردن، کسب محبوبیت و گشایش روزه‌های نفوذ در افکار دیگران است. بنابر فرمایش امام علی (ع)، مدارا باعث می‌شود که کینه‌ها از بین برود» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۵) و امکان آشنایی افراد را با نقاط اشتراک و اختلاف یکدیگر را فراهم نموده و در نتیجه فرصت همکاری و هم‌اندیشی را برای رفع یا کاهش دادن اختلافات فراهم می‌سازد.

از دیگر برکات و ثمرات مدارا با مردم، جذب دوستان بیشتر است؛ مدارا کردن با مردم، سبب جذب آن‌ها می‌شود، و این امر گسترده‌تر شدن دامنه ارتباطی انسان‌ها را به دنبال دارد. شواهد نقلی برای این اثر را می‌توان در کلام امام علی (ع) پیدا کرد: «هر که با مردم آشتی کند، یعنی با ایشان جنگ و جدال نکند، دوستان او بسیار و دشمنان او کم باشد» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۵).^۱

۵. نتیجه‌گیری

بررسی سخنان و سیره عملی امام علی (ع) در این پژوهش نشان داد که مشارکت عمومی در حکمرانی و اداره امور، در ساماندهی زندگی اجتماعی مردم نقش مهمی دارد. امام علی (ع) با اموری چون تحریف معارف و حقایق دینی، فقدان هویت و اندیشه مستقل، فخرفروشی و استکبارورزی، طمع‌ورزی‌های مادی، تقلب و نفاق، جهالت و تعصبات ناروای مذهبی، به دلیل آسیب رساندن به گرایش همگانی مردم به حکمرانی، مقابله کردند.

هوای نفس، موقعیت‌خواهی و شهرت‌طلبی، فهم انسان را از منابع دین تغییر می‌دهد و موجب انحراف انسان، بدعت در دین و استفاده‌های نابجا از قرآن و روایات می‌شود. تحریف معارف و حقایق دین با منحرف کردن دین از مسیر اصلی خود، باعث بدبینی مردم نسبت به حکومت اسلامی و کناره‌گیری آنان از مشارکت در

۱. «مَنْ سَأَلَ النَّاسَ كَثُرَ أَصْدِقَاؤُهُ وَقَلَّ أَعْدَاؤُهُ»

حکمرانی می‌شود. از دست دادن هویت و اندیشه مستقل، با وادار کردن مردم به تقلید کورکورانه و تبعیت بدون اندیشه، آنان را از مشارکت عمومی در حاکمیت باز می‌دارد.

خودپسندی و خودخواهی، با سوق دادن به سمت اموری که خوشایند و دلخواه انسان است، باعث می‌شود که با عقاید و ارزش‌های عقیدتی و اجتماعی که ناسازگار با خواسته اوست، به شیوه توجیه و تطهیر رفتار و پافشاری بر گزینه دلخواه عمل شود و مجال مشارکت برای اندیشه‌های مخالف فراهم نشود. از منظر امام علی (ع)، طمع به عنوان بدترین چیز، معیار شرّ، عامل بردگی، مرکب قاتل، عامل فساد و تباهی حاکمیت است.

مبارزه با تقلب و نفاق، حافظ اعتماد عمومی و سلامت مشارکت عمومی است. آسان‌سازی هزینه زندگی مردم و برداشتن تنگناهای معیشتی به وسیله حاکم، نشان‌دهنده حُسن ظنّ حاکم بر مردم است و آثار روحی و روانی مهمی در مشارکت عمومی و جلوگیری از انحراف دینی خواهد داشت. تعصبات ناروای مذهبی ناشی از غفلت و جهالت افراد و از میان برداشتن آنها باعث جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و گرایش کورکورانه افراد به انحرافات می‌شود. عدالت‌ورزی، سیاستی فراگیر و همگانی است. تأمین رضایت عمومی و سالم‌سازی اجتماع مسلمین از انحرافات، تنها در سایه عدالت محقق می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. مصحح مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر (۱۳۷۹). *مناقب آل ائمه علیهم السلام*. قم: علامه، ج ۲.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۷۴). *الغارات*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ج ۱.
- خوانساری، سید محمدتقی (۱۳۶۰). *حاشیه بر عروة الوثقی*. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۵.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج ۲۷، ۶.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: دفتر نشر کتاب، چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۹۳). *ترجمه مجمع البحرین*. تهران: مهر طاهر.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. مصحح خراسان حسن الموسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۶۷). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
- لنکرانی، فاضل (۱۳۸۵). *آئین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم.
- مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الطهار (ع)*. تهران: اسلامیه، ج ۷.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۷۶). *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۴۹). *جاذبه و دافعه امام علی (ع)*. تهران: نشر حسینیه ارشاد.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. تهران: نشر زرین، چاپ سوم.
- مفید، (۱۳۹۲). *نهج البلاغه*. ترجمه سید جعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سی و دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام امام امیرالمومنین (ع)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۹.